

بهار تحول

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان کرمانشاه

گاهنامه دانشگاه فرهنگیان استان کرمانشاه

شماره چهارم

آبان ۱۴۰۱

آنچه که در این شماره از نشریه مطالعه می کنید:
دید ما به آموزش و پرورش و معلمان با سایر کشور ها چه تفاوتی دارد؟!
هویتی که الان داریم آیا همانی هست که میخواستیم؟!
ما در آموزش و پرورش نیاز به چه معلمانی داریم؟
چالش هایی که مادران شاغل با آن مواجه هستند.
معنویت چه تاثیری بر سلامت روان دارد؟!
.....
...
.



فهرست نشریه

۳.....	سخن مدیر مسئول
۴.....	اصلاحات ضروری در آموزش و پرورش
۶.....	بحران هویت ملی
۱۰.....	بررسی جایگاه معلمان
۱۲.....	چالش های زنان و مادران شاغل
۱۳.....	اهمیت پرورش
۱۴.....	تاثیر معنویت بر سلامت روان
۱۶.....	چرا اربعین یک پوش همگانی است
۱۸.....	بیانیه گام دوم
۲۰.....	مصاحبه

شناسه نشریه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

مدیر مسئول: سحر عظیمی دربندی

سر دبیر: صبا کائیدانی

ویراستار: نرگس آقایی

طراح و صفحه آرا: محمد اسلام پور

هیات تحریریه: مبین امیری، علی بسامی، مهدیه تحسینی دادگر،

مهتاب خانی، سیده مژده سبحانی، ساناز طرهانی، فاطمه عبدی،

هدیه عسگری، فاطمه قلی زاده، حدیث مرادزاده، مهتاب محمودی،

فاطمه منوری، کیمیا میرزایی، راضیه نیک خواه، زهرا سادات هرمزی



نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان کرمانشاه

بنام خداوند علم و قلم...

ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه

خداوند متعال را شاکر هستیم که توفیق حضور در کنار جمعی از دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان کرمانشاه را نصیب ما کرد تا بتوانیم قدمی هرچند کوچک در مسیر حسینی شدن برداریم.

تقارن چاپ این شماره از نشریه با اربعین حسینی مرا به خود واداشت که چند خطی از امام مظلومان، حسین، بنویسم؛ همان کسی که در دنیای پر تلاطم زندگی که هر لحظه امکان غرق شدن هست، کشتی نجات و چراغ فروزانی برای پیدا کردن راه رستگاری است.

آری هر کس در پرتو انوار معرفت حسینی، مسیر زندگی را طی نماید، حتماً بر ساحل رستگاری و سعادت نائل خواهد آمد.

دوست خوبم نمی دانم امسال کربلایی شدی یا نه؟ اگر قسمت نشد امسال کربلایی شوی، اما میشود حسینی شوی. حسینی شدن یعنی در زندگی رنگ خدا گرفتن؛ حسینی شدن یعنی در رکاب امام زمان (عج) بودن؛ حسینی شدن یعنی پشتیبان ولایت بودن؛ حسینی شدن یعنی تلاش در مسیر امر به معروف و نهی از منکر؛ حسینی شدن یعنی خدمت کردن به خلق.

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی

و در پایان از زحمات تمامی بزرگوارانی که برای این شماره از نشریه تلاش کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند متعال برای این عزیزان توفیقات روزافزون را مسئلت می نمایم.

سحر عظیمی دربندی
مدیر مسئول گاهنامه بهار تحول





اصلاحات ضرور در آموزش و پرورش

فاطمه قلی زاده، آموزش علوم اجتماعی ۹۹
کیمیا میرزایی، آموزش ابتدایی ۱۴۰۰

روش سوم :
قانون مجلس

روش اول:
کنکور

طی سال‌های اخیر مجلس با مصوباتی که داشته است، موجب جذب تعدادی از افراد که به شکل‌های مختلف با آموزش و پرورش همکاری داشته‌اند شده است که این گروه‌ها شامل معلمان حق التدریس، آموزشیاران و آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی، مربیان پیش دبستانی و معلمان خرید خدمت هستند.

در این روش دانش‌آموزان پس از اتمام تحصیل و کسب مدرک دیپلم و شرکت در آزمون کنکور بر اساس رتبه و تراز علمی و انتخاب رشته دانشگاه فرهنگیان و پس از طی کردن مراحل گزینش و مصاحبه به استخدام آموزش و پرورش درمی‌آیند؛ و پس از اتمام تحصیلات در دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک معلم رسمی شروع به فعالیت می‌کنند.

روش دوم :
آزمون استخدامی

هر ساله آموزش و پرورش جذب نیرو از طریق آزمون استخدامی دارد که در قالب آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی برگزار می‌شود؛ این آزمون به عنوان ماده ۲۸ هم شناخته می‌شود که در این حالت فارغ التحصیلان سایر دانشگاه‌ها بعد از قبولی در آزمون استخدامی و مصاحبه و گزینش دوره یکساله آموزشی را در دانشگاه فرهنگیان می‌گذرانند و سپس شروع به فعالیت می‌کنند.

آموزش و پرورش جزء مهمترین ارکان یک جامعه است و به عنوان یک نهاد بنیادی باید همواره مورد توجه باشد. در کشورهای توسعه یافته توجه ویژه‌ای به «آموزش» و «پرورش» می‌شود و این نشان‌دهنده این است که آنان به اهمیت آموزش و پرورش در کنار یکدیگر پی برده‌اند؛ به طوری که در طبقه‌بندی بهترین سیستم‌های آموزشی کشورهای توسعه یافته در صدر هستند. این نهاد ضروری برای بقا نیازمند اصلاحات و تغییراتی در حوزه‌های مختلف است. اگر در امری کارایی لازم و فعالیت سالم را دارا نیست و یا فعالیتش تبعاتی منفی در پی دارد باید تغییراتی اساسی اعمال شود.

متأسفانه در کشور ما کمتر به آموزش و پرورش توجه می‌شود و این نهاد با کاستی‌های زیادی مواجه است و اصلاحات ضروری در این حوزه احساس می‌شود؛ از جمله این اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ارتقای منزلت اجتماعی معلمان
- اصلاح رویه معلم‌گزینی
- دوری از حافظه محوری
- برقراری عدالت آموزشی
- اصلاح متون و مواد درسی و...

هر کدام از این موارد نیازمند بحث طولانی هستند که ما در اینجا به موضوع اصلاح رویه معلم‌گزینی می‌پردازیم؛ زیرا این معلم است که انسان ساز است و نقش مهمی در آموزش و پرورش دارد. افراد زیادی هستند که تمایل دارند در آموزش و پرورش کار کنند و اشتغال در این وزارتخانه جز آمالشان است. جذب آموزش و پرورش بر اساس قانون باید فقط از طریق دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی صورت گیرد که به این موضوع در سند تحول آموزش هم اشاره شده؛ اما واقعیت این است که هنوز این اتفاق به طور کامل محقق نشده است! در حال حاضر آموزش و پرورش به چند طریق نیرو جذب می‌کند:

دسته سوم : معلمین بد

افرادی که صرفاً برای استفاده از مزایای هر چند اندک آموزش و پرورش به این حرفه جذب شده و هیچگونه حس تعهد و تعامل و احساس تکلیف در قبال دانش‌آموزان ندارند و حتی گاهی باعث تباهی نیز می‌شوند!

حال وظیفه آموزش و پرورش چیست؟
تکلیف مشخص است! به‌عنوان یک مقوله اصلاحاتی، آموزش و پرورش باید در جهت غنی شدن معلمی موضع جذب و گزینش خود را تغییر دهد.

معلمین بد اصلاً نباید در ساختار تشکیلاتی ورود پیدا کنند.
حال این جذب به هر طریق که هست باید اصلاح شود؛ زیرا آموزش و پرورش بازار کاریابی نیست.

همچنین معلمین خنثی باید آموزش داده شوند و به مرحله پویایی و آگاهی از آموزش برسند. کلاً همان را قاضی کنیم؛ **هیچکس ۶ ماهه معلم نمیشود!**

نکته حائز اهمیت دیگر، اینکه در گزینش دانشگاه فرهنگیان دقت را بالا برده و پذیرش را صرفاً بر اساس رتبه و تراز علمی قرار ندهند؛ این مورد باعث تباهی کرامت انسانی می‌شود. رتبه علمی ممتاز، دلیل خوبی برای شایستگی شخصی نیست و به عمل و رفتار اجتماعی هم باید توجه داشت؛ زیرا «آموزش»

و «پرورش» در کنار هم معنا پیدا می‌کنند. همچنین باید سعی داشت که عدالت در نحوه و میزان جذب برای دانشگاه فرهنگیان در سال‌های مختلف رعایت شود؛ زیرا گاهی افرادی صالح و با رتبه علمی خوب به دلیل کمبود جذب در همان سال نمی‌توانند وارد دانشگاه فرهنگیان شوند و از خدمت در شغل شریف معلمی جا می‌مانند.

بنا بر جذب نیروی انسانی و نحوه فعالیت و رویکرد آنها، معلمین به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: معلمین خوب

افراد آگاه، دانا، دلسوز، آموزش دیده و دارای حس مسئولیت‌پذیری هستند که وجدان کاری بالایی دارند.

دسته

دوم:

معلمین

خنثی

افرادی که آموزش دیده و ماهر نیستند این دسته توانایی کافی برای تدریس و جهت‌دهی به آموزش را ندارد و صرفاً در بدنه آموزش و پرورش باری اضافی هستند.

«به امید جذب معلمان توانمند و شریف در آموزش و پرورش»





بحران هویت ملی

مبین امیری، آموزش ابتدایی ۹۸
علی بسامی، آموزش ابتدایی ۹۸

هویت ملی عالی‌ترین سطح هویتی هر فرد است و معمولاً از ویژگی یکتایی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله مراتب، برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد. هویت ملی از تعلق فرد به یک سرزمین و یا به کشوری خاص سرچشمه می‌گیرد و معمولاً افراد دارای بیش از یک هویت ملی نیستند (احمدی، ۱۳۸۲). هویت ملی سبب وحدت و یکپارچگی مردم می‌شود و از مباحث مهم و برجسته در دنیای امروز است. نیاز به هویت ملی و احساس تعلق، وفاداری و گرایش به سمت آن از ضرورت‌های انکارناپذیر در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. با توجه به اینکه نظام آموزش و پرورش در همه کشورها بزرگ‌ترین نیرو و سرمایه انسانی را در اختیار دارد، می‌تواند یکی از بهترین راه‌های تقویت هویت ملی به شمار آید و برنامه‌های درسی به عنوان یکی از ارکان اصلی این نظام می‌توانند نقشی محوری و کلیدی در شکل‌گیری هویت ملی ایفا کنند. متأسفانه در اهداف تصریح شده برای نظام آموزشی ایران، هویت ملی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست.

هدف غایی نظام‌های آموزشی در سراسر دنیا تعلیم افراد به منظور حضور در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور است؛ به نحوی که نظام آموزش و پرورش در سراسرگیتی، گروه‌های دانش‌آموزی را در مدارس و کلاس‌های درس گرد هم می‌آورد تا امیدها و انتظارات جامعه و افراد را برآورده سازد. در این بین علی‌رغم آنکه در ظاهر، فراگیری علم و ترویج شاکله‌های آن مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی به شمار می‌آیند، با این حال، نباید از یاد برد که نظام آموزشی نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌کند. از این رو افراد علاوه بر فراگیری علم و دانش به شناخت خود و دیگران نیز می‌پردازند. به همین سبب نحوه شکل‌گیری شخصیت و جامعه‌پذیری فرد در این نظام، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ به نحوی که جامعه‌پذیری می‌تواند افرادی تربیت

کند که در راه رشد و کمال خود و توسعه و سازندگی جامعه قدم بردارند و یا بالعکس. این نظام باعث می‌شود فرد علاوه بر کسب اطلاعات و دانش، برای ایفای نقش‌های مختلف در جامعه آماده شده و با هنجارها و قواعد اجتماعی آشنا شود. در واقع، فرد از یک سو شیوه صحیح زندگی اجتماعی را می‌آموزد و از سوی دیگر، آماده شرکت فعالانه در زندگی و پذیرش مسئولیت در جامعه می‌شود. در واقع نظام آموزشی می‌تواند به مثابه مرجعی انسان‌ساز عمل کند و ارزش‌ها، اصول و اهداف را در راستای تقویت یا تضعیف هویت ملی در جامعه بازتولید کند؛ به خصوص که در حال حاضر ضرورت و نقش دوره‌های آموزش و پرورش فقط در توسعه مهارت‌ها، قابلیت‌های شناختی و آماده کردن کودکان برای ورود به مدارج تحصیلی بالاتر خلاصه نمی‌شود، بلکه آن را عامل و اساس هرگونه تحول آغازین در عرصه رشد و توسعه اجتماعی فرهنگی و اقتصادی نیز می‌پندارند. در واقع، در عصر حاضر، نظام آموزشی از یک سو در تبدیل انسان‌ها به افرادی بالنده از لحاظ فرهنگی و اجتماعی فعال است و از سوی دیگر، تأمین‌کننده دانش عمومی مورد نیاز نیروی انسانی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود؛ ضمن آنکه نقش مهمی در تحکیم هویت ملی، وحدت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی از طریق اشاعه سنت‌ها، رسوم اجتماعی و ایدئولوژی‌ها ایفا می‌کند. از این رو نظام آموزشی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دوام و پایداری حکومت‌ها محسوب می‌شود؛ به نحوی که عدم کارکرد صحیح آن می‌تواند مولد بحران‌های مختلفی نظیر بحران هویت شود.

مسئله بحران هویت یکی از حادترین مسائل موجود در کشورهای درحال توسعه محسوب می‌شود و این بحران موجب رخنه عوامل بیگانه و سقوط رژیم‌های حاکم نیز شده است. به طور کلی، بحران هویت هنگامی رخ می‌دهد که یک جامعه دریا باید آنچه را که تاکنون به طور درست و بی‌چون و چرا به عنوان تعاریف فیزیکی و روان

شناسانه خود جمع‌آوری پذیرفته بود، تحت شرایط تاریخی جدید، دیگر قابل پذیرش نیست. از این رو بحران هویت در اثر پیامدهای روان شناسانه تغییر اجتماعی سریع و احساسات دوگانه نسبت به بیگانگان ایجاد می‌شود (پای، ۱۳۸۰) در چنین شرایطی، حکومت از باز تعریف هویت خود باز می‌ماند و نیروهای خارجی با تبلیغات گسترده به تبیین هویتی نوین برای ملتی که از هویت پیشین خود وامانده است، می‌پردازند. در شرایطی که بحران هویت به طور خاص با موضوع وحدت و انسجام ملی مرتبط است، عدم دستیابی به راه حلی قاطع جهت برطرف نمودن آن در گذر زمان، به بحران مشروعیت منجر خواهد شد. به همین خاطر به نظر می‌رسد نظام آموزشی بتواند نقش مهمی در شکل‌گیری و تکوین هویت ملی به ویژه در جوانان و نوجوانان ایفا کند و جهت‌گیری هویتی افراد را با جهت‌گیری ارزشی و هنجاری نظام سیاسی همراه سازد.

۱. مقدمه

هویت دارای انواع، سطوح و سلسله مراتب مختلفی است، اما در یک دسته بندی کلی می‌توان دو نوع هویت را از یکدیگر متمایز کرد: "هویت فردی" یعنی همان چیزی که فرد به واسطه ویژگی‌ها، خصوصیات یگانه و منحصر به فرد خود مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در عین حال از دیگران متمایز می‌شود و "هویت جمعی" که عبارت است از تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص. چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود. یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی، "هویت ملی" است که فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است و دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی درون یک جامعه است. امروزه این مفهوم به قدری اهمیت پیدا کرده که هویت ملی زیربنای تمامی انواع دیگر هویت‌هاست. برنامه درسی به عنوان یکی از ارکان نظام آموزش و پرورش نقشی محوری در شکل‌گیری هویت ملی ایفا می‌کند. علاوه بر این، برنامه درسی از نظر ماهیت و مفهومی به گونه‌ای است که ارائه تعریفی جامع و مانع را با مشکل مواجه ساخته است. به منظور روشن شدن وضعیت

موجود هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران، در تحقیق حاضر ابتدا هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران و دیگر کشورها مورد مقایسه قرار گرفته و سپس به مهم‌ترین علل ضعف هویت ملی در نظام تعلیم و تربیت ایران اشاره خواهد شد.

۲. بعد فرهنگی هویت ملی

پیوند میان فرهنگ و هویت چنان عمیق است که اغلب، هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و برای فرهنگ، شأن مستقلی در هویت قائل هستند. در جهان معاصر، هویت فرهنگی در مقایسه با دیگر ابعاد هویت، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. هویت فرهنگی هر ملت، ریشه در تاریخ، باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم آن ملت دارد و نوع رفتار افراد را با جهان اطراف و با یکدیگر مشخص می‌کند. (اشرفی، ۱۳۸۰)

این شاخص‌ها و بحث‌های مربوط به هویت فردی، اجتماعی یا حتی روان‌شناختی، همه جنبه‌های هویت ملی ما را تشکیل نمی‌دهد و توضیح کافی از هویت ملی ایران در اختیار ما قرار نمی‌دهد؛ به ویژه در مواجهه با چالش‌هایی که ایران در ارتباط با جهانی شدن با آن روبرو است، راه حلی ارائه نمی‌کند. تا جایی که عنوان شد و به علت گسترش ارتباطات و آگاهی‌های ناشی از آن، نوعی مجذوبیت و مقبولیت، صحیح یا غلط نسبت به ملی‌گرایی و ارزش‌های غربی در جامعه ما ایجاد شده است. در رابطه با مسئله هویت ملی، امروزه شرایطی پدید آمده که هویت ملی ما را، از درون و بیرون به چالش می‌خواند. از بیرون، ما با پدیده جدیدی به نام جهانی شدن و یا تمدن جهانی مواجه هستیم و ارزش‌های سنتی نمی‌تواند به مقابله با ارزش‌های جهانی پست مدرنیستی بپردازد. اکنون بسیاری از تجلیات دنیای غرب را پذیرفته‌ایم؛ البته این تجلیات مختص غرب نیست، بلکه حالت جهانی پیدا کرده‌اند. از این دیدگاه، هویت ایرانی دارای چنان ظرفیت بالقوه‌ای است که می‌تواند با منطق جهانی شدن سازگاری پیدا کند. به عبارت دیگر، نه تنها در مقابل آن قرار نمی‌گیرد، بلکه می‌تواند ارتباط منطقی با آن برقرار کند (باوند، ۱۳۷۹).

۳. لایه‌های هویت ملی ایران و نظام آموزشی

در اغلب جوامع امروز، نظام آموزشی ابزار مهم تقویت ابعاد مختلف هویت ملی به شمار می‌رود. به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران و کارشناسان، آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی که در جامعه‌پذیری افراد نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند؛ بزرگ‌ترین فصل مشترک «دولت» و «ملت» است (فانی، ۱۳۸۶). در کشور ما با وجود قریب به ۱۵ میلیون دانش آموز، بزرگ‌ترین شبکه ارتباطی بین دولت و مردم از طریق بیش از ۱۵۰ هزار مدرسه برقرار است. حضور بیش از یک میلیون نفر از کارکنان دولت در آموزش و پرورش کشور با میانگین سواد بیش از ۶۳/۱۴ سال (بالتر از فوق دیپلم) پل ارتباطی مستحکمی بین حاکمیت و مردم ایجاد کرده است. بنابراین کوچک‌ترین تحول در آموزش و پرورش، اولیاء و در نتیجه مردم جامعه را متأثر می‌کند. آموزش و پرورش از طرق مختلف و با به کارگیری برنامه‌های متنوع می‌تواند در تقویت هویت ملی در احاد ملت به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، که بیشترین اثربخشی و پایداری را دارد، ایفای نقش کند. این نهاد سرنوشت ساز در حوزه کتب درسی، برنامه‌های درسی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، فعالیت‌های فوق برنامه و از طریق شورای عالی آموزش و پرورش می‌تواند کارکردهای هویت ملی را تحقق سازد.

باید مقوله ایران فرهنگی را جدی بگیریم:

عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) با بیان اینکه باید مقوله ایران فرهنگی را جدی بگیریم، ادامه می‌دهد: مقوله ایران فرهنگی می‌تواند جبهه جدید هویتی را در عرصه بین‌المللی باز کند. در جهانی شدن تلاش این است که یک هویت جهانی و شهروند جهانی رقم بخورد که این نیازمند ساختارسازی و بسترسازی‌هاست، اما از سوی دیگر این بسترسازی‌ها می‌تواند به معرفی هویت‌های خرد و ملی در عرصه جهانی کمک کند. اکنون میزان آشنایی از فرهنگ‌های دیگر نسبت به ۳۰ سال قبل بیشتر است؛ پس جهانی شدن با وجود

آن که می‌تواند برای هویت‌ها تهدیدهایی ایجاد کند، می‌تواند فرصتی برای معرفی هویت‌ها نیز باشد. به گفته او، یکی از چالش‌های جهانی شدن این است که یک هویت جهانی بدون توجه به خرده هویت‌ها و ارزش‌های هویتی برای بشر طراحی شود. در واقع این همگن‌سازی‌ها تنوعات هویتی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. یکی از چالش‌های پیش روی هویتی ما این است که در عین صیانت و تقویت هویت ملی، باید خرده هویت‌ها و تنوعاتی که ذیل هویت ملی قابل تعریفند، صیانت شوند و توسعه یابند. ما ملت باستانی هستیم و تاریخچه طولانی با هم بودن را تجربه کرده‌ایم، که باید این مسیر را ادامه دهیم و مسایلی که باهم بودن را به چالش می‌کشد، باید مورد بحث قرار داد که یک مورد آن فرهنگ جهانی یا همان فرهنگ مدرن است.

حمید هوشنگی ادامه می‌دهد: ما با مدرن بودن، به معنای مدرنیزاسیون ابزاری مشکلی نداریم، اما مدرنیزاسیون به عنوان یک فلسفه و نرم افزار وقتی بخواهد جایی بنشیند، اولین اتفاقی که رقم می‌زند، می‌خواهد یکدستی ایجاد کند و این در کشوری همچون ما چالش ایجاد خواهد کرد و این سرمنشا چالش‌های بسیار دیگر است.

وی می‌گوید: یکی از چالش‌ها این است که آیا ما توانستیم هویت ملی را درون جامعه نهادینه کنیم، آیا نسل جوان ما همان گونه می‌اندیشد که دو نسل قبل‌تر از او به هویت ملی نگاه می‌کرده است یا خیر؟ ما ناچاریم از منظر گسست نسلی هم به مقوله هویت نگاه کنیم، شاید آن عرقی که من به ایران داشتم، فرزند من نداشته باشد، ما چه کرده‌ایم که مولفه‌های هویت ملی را به فرزندانمان منتقل کنیم. آیا جامعه‌پذیری هویت ملی درون جامعه ما در رسانه و نهادهای آموزشی اتفاق می‌افتد؟ سازوکارهای آن چیست؟ اینها همه پرسش‌هایی است که با آن در آینده‌ای نه چندان دور مواجهیم.

گرایش به هویت مدرن و محلی بیشتر شده است:

این استاد علوم سیاسی با استناد به بررسی‌های پیمایش ۵ ساله هویت ملی موسسه مطالعات ملی، می‌گوید: اکنون میزان گرایش به هویت ملی نسبت

اکنون میزان گرایش به هویت ملی نسبت به ۵-۶ سال پیش کمتر شده و گرایش به هویت مدرن و محلی نسبت به گذشته ارتقا یافته است.

به گفته هوشنگی، تعریف انسان از خود علاوه بر اینکه از بروز بحران هویت جلوگیری می‌کند، از یک کشور هم صیانت می‌کند، در عصر جهانی شدن یکی از منازعات جدی منازعات هویتی است و کشورهای مختلف از این منظر با یکدیگر رقابت و تلاش می‌کنند برای خود سیطره هویتی در دنیا ایجاد کنند. رشد صنایع فرهنگی در جهان غرب با همین نگاه ایجاد شده که بتواند هویت مطلوب خود را در عرصه بین‌الملل ارائه و از طریق هویت سیطره فرهنگی ایجاد کند.

دغدغه‌های هویت در بین مردم نیازمند سیاست‌گذاری است

هوشنگی اظهار می‌کند: صیانت از هویت و توسعه مقوله هویت در کشور فقط وظیفه حاکمان نیست، مردم هم باید نسبت به این مساله دغدغه‌مند باشند و اینکه چگونه در بین مردم این دغدغه‌مندی را ایجاد کنیم خود نیازمند سیاست‌گذاری جدی است. به عنوان مثال مردم چه میزان به زبان فارسی توجه می‌کنند یا صیانت از آن در برابر زبان دیگری مورد توجه قرار می‌گیرد. این مساله‌ای است که در جامعه ما شاید کمتر به آن توجه می‌کنیم و حتی ممکن است برخی توجه به زبان فارسی را امری فانتزی بدانند. اما وقتی

رهبر انقلاب به عنوان عالی‌ترین مقام کشور به طور مشخص در حوزه زبان فارسی ورود می‌کنند و می‌توان ایشان را به قطع، امین زبان فارسی دانست، این اهمیت زبان فارسی را نشان می‌دهد. زبان فارسی امر طولانی در تاریخ ما و عامل پیوستگی و ارتباط ما با گذشته است، پل و ابزار ارتباطی ما درون جامعه است، ما در کشور تنوعات زبانی داریم که همه با یک زبان مشترک با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند و همه یک میراث مشترک دارند، مردم ما تا چه حد به این مساله اهمیت می‌دهند؟

علل ضعف توجه به هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران

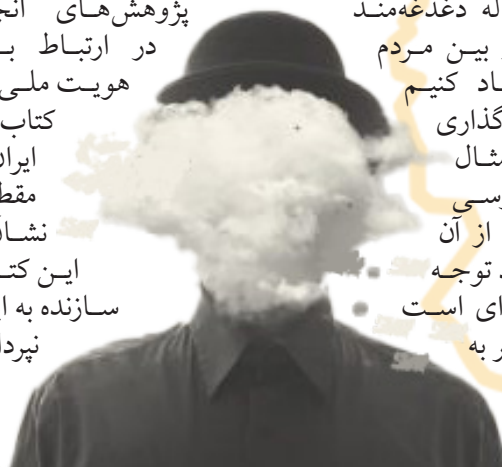
نتایج تحقیقات انجام شده پیرامون

هویت ملی در برنامه‌های درسی ایران، به وضوح نشان دهنده ضعف این برنامه‌ها در ارتباط با مقوله هویت ملی است. اما سؤال این است که علل این ضعف چیست؟ در این بخش با توجه به وجود عوامل مختلف تأثیرگذار سعی شده به مهمترین آن‌ها اشاره شود. بنابراین دو علت درونی محدودیت‌های مدارس و محتوای کتاب‌های درسی، و دو علت بیرونی مفهوم هویت ملی و نقش خانواده مورد بحث قرار گرفته اند.

عوامل درونی

محتوای کتاب‌های درسی

محتوای کتاب‌های درسی در انتقال دانش، زمینه‌سازی تفکر در فراگیران و آشنا کردن فراگیران با واقعیت‌های زندگی می‌توانند نقش سازنده و فعالی داشته باشند. از طرف دیگر عدم انتخاب محتوای مناسب موجب غفلت فراگیران از واقعیت‌های موجود در جامعه شده و مشکلاتی را برای فراگیران به همراه خواهد داشت. این در حالی است که پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با موضوع هویت ملی در محتوای کتاب‌های درسی ایران در هر سه مقطع تحصیلی نشان داده‌اند که این کتب به طور سازنده به این موضوع نپرداخته‌اند.



یکی از مسائل دیگری که باید در محتوای کتاب‌های درسی مدنظر قرار گیرد، توجه به مسئله قومیت‌ها و فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف در کشور چند قومی ایران است. عدم توجه به این مباحث تأثیر مستقیمی بر افکار فراگیران و دور کردن آنها از فرهنگ خویش و جذب در فرهنگ بیگانه دارد.

محدودیت مدارس

ناتوانی مدارس در اجرای برنامه‌های مرتبط با هویت ملی نشان دیگری از ضعف توجه به هویت ملی در نظام آموزشی ایران است. در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم، به واسطه مشکلات مالی نظام آموزشی و

نبود امکانات و ابزارهای لازم مانند وسایل دیداری و شنیداری، کمبود امکانات مسافرتی برای دیدن سرزمین‌ها مانع از تجربه عینی دانش‌آموختگان در مسائلی همچون هویت ملی می‌شود. لذا امکانات محدود در زمینه ابزارهای آموزشی و به خصوص نرفتن اردو به مناطق مختلف در کشور یکی از موارد بسیار مهم در عدم شناخت عینی و واقعی مباحث مربوط به هویت ملی است.

عدم توجه به فعالیت‌های فوق برنامه، از موارد دیگری است که می‌تواند به عنوان ضعف مدارس در تقویت هویت ملی به شمار آید. فعالیت‌های فوق برنامه مدارس می‌تواند نقش بسیار مهمی در درونی‌سازی هویت ملی ایفا کند.

عوامل بیرونی:

مفهوم هویت ملی

هویت ملی یکی از مفاهیم تازه در عصر جدید است و همین تازگی سبب ابهام و پیچیدگی در تعریف آن شده است؛ به طوری که در بریتانیا از سال ۱۹۹۰، هویت ملی، جنسی، قومی و محلی به عنوان یک کلمه کلیدی، قانونی و قانونی وارد بحث دانشگاهی شده است. مبانی نظری هویت ملی در ایران هنوز روشن نشده است، این امر به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و با تعریف بسیاری از ارزش‌ها در نظام سیاسی جدید به طور حادثری بروز پیدا کرده است. هنوز شاید نتوان تعریف روشنی از هویت ملی که بخش قابل ملاحظه‌ای از صاحب نظران روی آن اتفاق نظر داشته باشند، ارائه کرد و بحث‌های پیرامون سهم دین در تعریف هویت ملی و رابطه اسلامیت و ایرانیت در تعریف به طور اساسی مطرح می‌باشد.

نقش خانواده

علاوه بر نظام آموزش و پرورش، نهاد خانواده نیز نقشی حیاتی در شکل‌گیری و رشد هویت دارد. اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب شیوه‌های فرزند پروری نمود پیدا می‌کند، عامل مؤثری در تکوین و تثبیت خصوصیات رفتار مذهبی، ملی و اعتقادی فرزندان است؛ اما تضاد افکار بین خانواده و مدرسه می‌تواند مخرب و ویرانگر باشد و دانش‌آموزان را دچار بحران هویت و سردرگمی کند.

نتیجه گیری ۱:

هویت ملی ایران از زبان فارسی، آموزه‌های اسلامی، حوادث تاریخی، ادبیات فارسی و عناصری از مدرنیته و تجدد سامان گرفته و اینک به گونه‌ای درآمده که در آن اسلام، زبان و ادبیات فارسی، نوروز، فرهنگ و تمدن پیش از اسلام، یعنی تمدن ایران و بخشی از عناصر مثبت مدرن وجود دارد. به نظر می‌رسد، نظام آموزشی در ایران می‌تواند از عناصر موجود در هویت ملی این کشور بدون اینکه هر کدام از این عناصر را به غیریت تبدیل کند، تقویت کند. در ایران به رغم برخورداری از گذشته غنی و تاریخ پر بار، نظام آموزشی تأثیر اندکی در هویت بخشیدن به دانش‌آموزان داشته است؛ به نحوی که اکثر دانش‌آموزان ایرانی تلقی نادرست و تصویر مبهمی از گذشته تاریخی خود دارند. از این رو، در حالی که کتاب از جمله مهم‌ترین وسایل برای انتقال مفاهیم و بالا بردن درجات آگاهی فرهنگی و رشد اجتماعی است، کتاب‌های درسی مدارس ایران تلاش اندکی در راستای تقویت هویت ملی کرده‌اند. در این راستا توجه به فرهنگ، سابقه تاریخی، هویت ملی و مذهبی و ارزش‌های اسلامی باید به عنوان مؤلفه‌های لازم اولویت‌های نظام آموزشی مورد توجه قرار گیرد. نظام آموزشی باید به گونه‌ای باشد که تلقی یکسانی از هویت ملی بین دو دانش‌آموز یکی در تهران و دیگری در یکی از روستاهای دور افتاده کشور بوجود آورد؛ به ویژه آن‌که در فرهنگ اجتماعی و سیاسی ایران با دو سطح رفتار شهری و صنعتی از یک سو و رفتار عشیره‌ای، روستایی و سنتی از سوی دیگر مواجه هستیم. از این رو نوعی دوگانگی رفتاری و هویتی میان ایرانیان وجود دارد که باید به تدریج رفع شود. از سوی دیگر نظام آموزشی برای تقویت هویت ملی باید به صورتی باشد که معنویات کلان کشور در آن متجلی شود؛ به خصوص که جامعه ایران از دو ویژگی ممتاز و بی‌بدیل برای جلوگیری از پیدایش بحران هویت برخوردار است. ویژگی اول به تاریخ غنی و پر بار ایران ارتباط پیدا می‌کند؛ به نحوی که ایرانیان همواره افرادی مذهبی بوده‌اند و در حال حاضر نیز با گرایش به مذهب شیعه از تمایزی بی‌بدیل با سایر مسلمانان جهان برخوردار می‌باشند. ویژگی دیگر، توجه به مؤلفه‌هایی مثل وطن دوستی، سرود ملی، زبان و خط رسمی می‌باشد که هویت ما را از سایر کشورها مشخص می‌کند.

نتیجه گیری ۲:

همانطور که ملاحظه شد، هویت ملی در نظام آموزشی و علی‌الخصوص در برنامه‌های درسی از وضعیت رضایت‌بخشی برخوردار نیست. به همین دلیل تلاش شد تا برخی از علل ضعف تحت عناوین محدودیت‌های مدارس، مفهوم هویت ملی، محتوای کتاب‌های درسی و نقش خانواده تبیین شود و از بررسی اهداف، دو نکته قابل تأمل به ذهن متبادر می‌شود: نکته اول اینکه توجه متعادل به مقوله هویت ملی در کتاب‌های درسی نشده و هویت ملی در این کتاب‌ها جایگاه مطلوب و قابل توجهی ندارد. نکته دوم آنکه اهداف کلی و اهداف آموزشی دوره‌های تحصیلی فاقد جامعیت کافی در مورد هویت ملی است و همه جنبه‌های آن را دربر نمی‌گیرد.

بررسی نیازهای جامعه نخستین گام در برنامه‌ریزی‌های درسی است و دومین مرحله در آن اقدام به تعیین هدف بر مبنای نیازهای به دست آمده از جامعه است. هویت ملی به عنوان بالاترین سطح هویت جمعیتی و به عنوان بالاترین مقام در جامعه، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این سطح از هویت، به دلیل تحت پوشش قراردادن احاد جامعه، با بسیاری از موارد ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. بنابراین لازم و حیاتی است که از این نیاز مهم در آموزش و پرورش بهره لازم برده شود. بنابراین چنانچه نظام آموزش و پرورش نتواند افراد را به هویت ملی‌شان معتقد و علاقه‌مند سازد، چه بسا با خطر سرکوبی هویت خویش و روی آوردن کامل به دیگر هویت‌ها روبرو شویم، پس لازم است برای تقویت هویت ملی از طریق گنجانیدن یک سری از اهداف در مجموعه اهداف آموزش و پرورش، به تقویت و درونی کردن آن اقدام کنیم.

بررسی جایگاه معلمان در کشور ایران در مقایسه با دیگر کشورها

ساناز طرهانی، آموزش علوم اجتماعی ۹۹
هدیه عسگری، آموزش علوم اجتماعی ۹۹



ویژه‌ای جدای از حقوق و اقتصاد در نظر میگیرن و بنا بر حدیث معلمی شغل انبیاست با یک دیدگاه ویژه به معلمی نگاه می‌کنند. و برخی از مسئولین و افراد هستند که حقوق گرفتن معلمین را در ایام تعطیل غیر عقلانی و قانونی می‌دانند.

در هر کشوری وقتی اسم معلم به میان می‌آید، جملات زیر در ذهن‌ها تداعی می‌شود.



ژاپن:

ما حاضریم خانه‌هایمان را باز کوچکتر کنیم و فضا و امکانات مدرسه‌ها را بزرگتر و بیشتر کنیم.

ما برای توسعه بیشتر کشور، هر چقدر در تربیت و جذب معلمان سرمایه‌گذاری کنیم، کم است.



آلمان:

سه گروه نباید پشت چراغ قرمز بمانند: آتش نشانی، معلم و آمبولانس.

فریاد آنجلا مرکل بر سر صنف پزشکان و مهندسان:

شما می‌خواهید حقوقی همسان با تربیت کنندگانتان داشته باشید؟

به یک مربی و حق هم دارد؛ چرا که عدول از آرمان‌ها اثر وضعی بی‌توجهی به جایگاه اوست، نه زیاده خواهی خود و همصنفانش! در تمام کشورهای پیشرفته دنیا، معلمان جزو طبقه ممتاز جامعه محسوب می‌شوند. به طور مثال درآمد یک معلم در انگلستان ۱۱۴ درصد درآمد یک فعال صنعتی است. همین مقایسه در هلند رقمی معادل ۱۷۷ درصد، در کانادا ۱۶۳ درصد و در ژاپن ۱۸۵ درصد است.

هر چند تلخ ترکردن کام این قشر عزیز درست نیست اما باید گفت: این نسبت در کشور ما معادل ۵۰ درصد است. (با احتساب میانگین ۴۲۷ هزار تومانی برای حقوق معلمان در یک شیفت کار که توسط مسئولان اعلام شده است) البته مقایسه را در همین حقوق متوقف می‌کنیم؛ وگرنه در بحث مزایا هم قصه سر دراز دارد، چنان که در پاکستان معلمان نمونه برای مطالعه بیشتر و کسب تجربه سفرهای خارجی دارند، اما در کشور ما سفر علمی و... که وجود ندارد؛ حتی بر خلاف ارگان‌هایی مثل شرکت گاز، وزارت ارتباطات و... تسهیلات جزئی هم برای معلمان فراهم نیست و اگر روزی سودای سفر به سرشان بزند می‌توانند از اقامتی دلنشین در کلاس‌های مدارس شهرهای مختلف که با موکت آذین شده بهره ببرند.

در کشور ایران، جایگاه برای معلمان بیشتر افرادی که دین و مذهب بیشتری در وجود آنها نهفته است، و به سخنان معصومین احترام می‌گذارند، و سخنان آن‌ها را سر لوحه زندگی خود قرار میدهند ارزش قائل هستند، برخی از افراد هستند که برای معلم جایگاه

"معلمی رسالتی خطیر"

معلمی در حالی به عنوان یکی از پراسترس‌ترین شغل‌های دنیا معرفی شده است، و روانشناسان آن را به عنوان یکی از سه حرفه پراسترس دنیا می‌شناسند، که متأسفانه این حرفه در بسیاری از کشورها از میزان درآمد بالایی برخوردار نیست.

کشورهای ژاپن، آلمان، کره جنوبی و سوئیس جزو کشورهایی هستند که بیشترین حقوق را به معلمان خود اختصاص می‌دهند.



از قرار این توجه

به معلم در دیگر کشورها صرفاً به معنای علاقه حاکمیت دیگر کشورها به این قشر نیست؛ بلکه میزان توجه آن‌ها را به ضرورت آموزش نسل‌ها و کاهش دغدغه‌های معلمان را نشان می‌دهد، و صد البته در این راه بر خلاف نظر حاکم در کشور ما هزینه نمی‌کنند، بلکه سرمایه‌گذاری می‌کنند. مگر جز این است که یک معلم با وجود دو شیفت تدریس (حدود ۹ ساعت) و بعد از تدریس در انواع کلاس‌های تقویتی، کنکور، خصوصی و... تارساندن درآمد خود به رقمی معادل هزار یورو (بالا تر از یک میلیون تومان خودمان) رقمی برای به روز کردن اطلاعات، توجه بیشتر به دانش‌آموز و... ندارد و تنها می‌شود ماشینی که مدام تکرار می‌کند. دیگر معلم خوبی هم نخواهد بود، چه برسد

خاطر پریشان و مشوشم را سبب تسکین است...

بوسه‌ای بر آن می‌زنم، صفحه‌های نورانی‌اش را آرام ورق می‌زنم...

می‌خوانمش و جان میگیرم...

برای آزار و نیش کلام مردمان «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ» و برای مشقت‌ها و ناخوشایندی‌های زندگی‌ام «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» می‌خوانم.

ذره ذره آب شدن در جدال جان فرسای عقل و قلبم را با «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» تسکین می‌دهم...

«هُوَ رَبُّ الْمُسْتَحِيلِ» می‌خوانم و به امیدهای خفته در بستر ناممکن‌ها جان می‌دهم...

عجز و ناتوانی در برابر غم و اندوه به یکباره زایل می‌شود، آن هنگام که «لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ» را به خاطر می‌آورم...

مگر می‌شود «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» را بخوانم و تلاطم دریای سینه‌ام آرام بگیرد!

به پرنده‌ای از قفس آزاد شده می‌مانم؛ آسمان بی‌انتهاست و بال‌های کوچک من ناتوان از برای پیمودن آن.

شمس تبریزی می‌گوید: «می‌شود آن را در چهار سطح خواند: معنای ظاهری، معنای باطنی، بطن بطن و در آخر آنچنان عمیق که در وصف ننگجد.»

بنگر که تا کجا پیش رفته‌ای...

حدیث مرادزاده

آموزش ابتدایی ۱۳۹۹



فرزند بزرگم پزشک است، اما فرزند دومم به دنبال هدف والاتری است، می‌خواهد معلم شود. "یک پدر آلمانی"

امارات:

دولت در سال چندبار به معلمان چک سفید می‌دهد.

ایران:

مشکل آموزش و پرورش، جمعیت زیاد آن است!

حقوق معلمان بار مالی دارد!

تعاونی فرهنگیان، معرفی‌نامه می‌دهد تا همکاران بتوانند از فروشگاه‌ها قسطی خرید کنند!

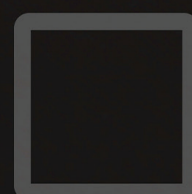
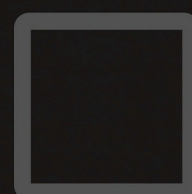
معلمان به جای آن که به فکر اضافه حقوق باشند، باید به فکر شغل دوم و سوم باشند.

فرانسه:

ثروتمندان در مسیر شهرک معلمان خانه می‌خرند تا دیگران فکر کنند آن‌ها هم معلمند.

انگلستان:

فرزندم یک نابغه است او توانایی معلمی دارد "یک پدر انگلیسی"



جایگاه زنان و مادران شاغل

مهدیه تحسینی دادگر، مشاوره ۹۸



در جهان امروز، بخش قابل توجهی از مشاغل و ارگان‌های مختلف را زنان به عهده دارند. بانوانی که در کنار مسئولیت‌های شغلی و اجتماعی، مسئولیت‌های ارزشمند خانوادگی را نیز دارا هستند. با توجه به حضور مستقیم و موثر بانوان در موقعیت و جایگاه‌های مختلف اجتماعی، سوالی که نمایان است و ذهن‌ها را به خود معطوف کرده این است که آیا جنسیت زنان و مسئولیت‌های خانوادگی‌شان در عرصه‌های مختلف اجتماعی در نظر گرفته می‌شود؟

روشن‌تر سخن بگوییم، از زبان زنان شاغل و فعالان اجتماعی سخن بگوییم که چالش‌های آنان در فضای اجتماع، نادیده گرفته شده یا لااقل اهمیت چندانی بدان نمی‌شود. زنان شاغل در فرآیند تعدیل کردن مسئولیت‌های خانوادگی در کنار وظایف شغلی، با مسائل و چالش‌های عدیده‌ای مواجه هستند که در معرض نقش‌های چندگانه و فشارهای ناشی از آن‌ها قرار می‌گیرند.

جامعه‌ای که زن را در دو راهی‌های مختلف و انتخاب‌های سخت قرار می‌دهد. انتخاب مجرد و ادامه فعالیت‌های اجتماعی یا ازدواج و ورود به زندگی مشترک و ترجیح تشکیل خانواده؟ انتخاب ورود به مسئولیت مادری و فرزندپروری یا عدم فرزندآوری یا گرایش به داشتن تنها یک فرزند؟ ادامه تحصیل،

پرورش استعدادهای درونی، پر و بال دادن به دغدغه‌ها، حضور پررنگ و نقش آفرینی موثر، یا تنها پرداختن به مسئولیت‌های خانوادگی؟

جامعه‌ای که از خردترین تا بزرگ‌ترین برنامه‌های اجتماعی را بدون در نظر گرفتن شرایط و مسئولیت‌های خانوادگی زنان رقم می‌زند، بانوان را در چالش‌های بزرگی قرار می‌دهد که مسئولیت سنگین آن را شخص زنان بر دوش حمل می‌کنند و بدون شک آثار آن در بلند مدت، جامعه را فرا خواهد گرفت. زنانی که افکار، دغدغه و ایده‌هایشان مورد نیاز یک جامعه پیشرفته است و دلیل حضورشان ثابت شده و حتمی است، زنانی که عامل اصلی آرامش و تحکیم خانواده‌ها هستند، بانوانی که فرزندان نخبه و متعهد آینده کشور، در آغوششان رشد می‌کنند و با قصه و لالایی‌های شبانه‌ی مادرانشان همچون نهالی نوپا، روز به روز سبزتر و ریشه‌هایشان تنومندتر خواهد شد. عدم برنامه‌ریزی برای این نیروهای ارزشمند جامعه، بی‌شک در سال‌های آتی آثار سوء جبران‌ناپذیر خود را به رخ خواهد کشید. از این رو شایسته است موانع ساختاری و اجتماعی اشتغال زنان رفع و شرایط مناسب برای حضور اجتماعی آنان فراهم شود.

ابتدا از یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اجتماعی؛ دانشگاه‌ها، شروع کنیم. عدم تدبیر در برنامه‌ریزی کلاس‌های هفتگی، پراکندگی زمان کلاس‌ها، یکسان بودن حق غیبت، عدم همکاری در مرخصی‌های روزانه و ترمی، عدم

همکاری و در نظر نگرفتن استثنائات و شرایط مجزا توسط اساتید و دانشگاه‌ها برای بانوان متاهل، باردار و مادران شیرده و یکی دانستن شرایط آن‌ها با سایر دانشجویان، آن‌ها را در چالش‌های بزرگی قرار داده و می‌دهد.

آمارها نشان می‌دهد در دورانی که آموزش‌ها به صورت مجازی پیش می‌رفت، تعداد بسیاری از زنان و مادرانی که تشنه یادگیری و رشد کردن بودند، مجدد به ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و گذراندن دوره‌های مختلف مجازی روی آورده‌اند. با توجه به پیشرفت تکنولوژی در جهان امروز، ارزشمند است دانشگاه‌ها، به ویژه معتبرترین دانشگاه‌ها آموزش مجازی را در کنار آموزش حضوری داشته و شرایط رشد را برای بانوانی با چنین شرایط فراهم کنند. بنابراین تنها دادن شعارهایی از قبیل اینکه ازدواج و تشکیل خانواده، پذیرفتن مسئولیت‌های همسری و مادری و وجود فرزندان، مانع رشد علمی، تحصیلی و شغلی زنان نخواهد شد، کفایت نمی‌کند، بلکه لازم به تامین و فراهم کردن شرایط در عرصه‌های مختلف جامعه از جانب مسئولان و برنامه‌ریزان است. مسلم است که عدم چاره‌جویی، جامعه را با مشکلات جدی از قبیل افزایش سن ازدواج، مجرد قطعی، کاهش میزان مولید، فرسایش شغلی و آسیب‌های روحی، روانی و جسمی بانوان و مختل شدن کارکرد خانواده، مواجه خواهد کرد.

در فضای کاری و شغلی، مواردی چون کم بودن زمان مرخصی زایمان، عدم همکاری با بانوان، کم بودن حق غیبت و مرخصی، عدم همکاری با شرایط ادامه تحصیل بانوان، شیفت‌های شبانه، ساعات کاری طولانی و انعطاف ناپذیر، ناهمزمانی ساعت کاری زن و شوهر، سخت‌گیری و عدم همکاری در



اهمیت پرورتر

اندیشمندان پیشرفت هر کشوری را متأثر از چند عامل می دانند. عناصری چون موقعیت جغرافیایی، سرمایه های طبیعی، وسعت سرزمین و نیروی انسانی... در سرنوشت یک کشور دخیل هستند. هر کدام از این عوامل در جایگاه خود اهمیت دارند؛ اما با آوردن یک مثال می توان تبیین کرد که مهم ترین این ها نیروی انسانی است.

قاره آفریقا را درنظر بگیرید؛ آفریقا علی رغم داشتن منابع طبیعی غنی، جایگاه فقیرترین قاره را تصاحب کرده و همواره مورد استعمار قرار گرفته است. در پرونده قاره آفریقا به راحتی می توان انگشت اتهام را به سوی نیروی انسانی ناکارآمد گرفت. در این میان است که سخن از آموزش و پرورش نیروی انسانی به میان می آید.

برای تشکیل کامل شخصیت انسان این دو جزء باید همسو حرکت کنند. متأسفانه، امروزه در نظام تعلیم و تربیت حاکم بر کشور، پرورش به صورت محسوس مورد غفلت قرار گرفته است؛ در حالی که آموزش منهای پرورش به شکل گیری شخصیت نامتعادل، ناقص و درون تهی می انجامد. بدون شک پرورش انسان هایی که فعال، پویا و دارای تفکر نقادانه هستند و توانایی حل مسائل مختلف زندگی را دارند و مهارت های لازم زندگی فردی و اجتماعی را فراگرفته اند بسیار با ارزش تر از تربیت لوح های فشرده حاوی محفوظات است.

البته نمی توان گفت که تربیت دانش آموزان صرفاً به عهده مدرسه است؛ بلکه خانواده و جامعه نیز در این امر سهیم هستند. اما با توجه به اینکه انسان ها بازه زمانی زیاد و مهمی از زندگی خود را در مدارس می گذرانند، نقش فعالیت های پرورشی بسیار پررنگ تر است. یکی از وظایف خطیر آپ، آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان و نوجوانان است. در تربیت اجتماعی باید به مفاهیمی همچون خودکفایی، ابراز وجود، استقلال، خودپنداری، خودرهبری، رقابت، همکاری، نوع دوستی و هویت جویی پرداخت.

یکی دیگر از رسالت های پرورشی، شناسایی استعدادها و شکوفایی آنها است. به عبارتی دانش آموزان در پایان تحصیل خود با توجه به آموزش هایی که دیده اند، آینده شغلی خود را رقم می زنند.

در پایان، می توان گفت اهمیت پرورش و فعالیت های پرورشی در مدارس به اندازه خوشبختی و نگون بختی افراد است و بدون تردید بسیاری از مشکلات افراد جامعه نتیجه عدم توجه کافی به پرورش است.

زهرآ سادات هرمزی، مشاوره و راهنمایی ۹۹

شاغل، به همسران بسیار همراه و رشد یافته ای برای ادامه مسیر سبز زندگی شان نیاز خواهند داشت. به گونه ای که زنان و مردان، در کنار یکدیگر و با همکاری، بتوانند هم نقش های خانوادگی و هم نقش های حرفه ای خود را به خوبی ایفا کنند. همچنین کمک های خانوادگی و اطرافیان، مسیر را برای زنان هموارتر خواهد کرد.

بسیار ارزشمند است که فعالان اجتماعی، دغدغه مندان و صاحبان خرد و اندیشه، بیش از گذشته به تالیف کتاب هایی جهت راهنمایی بانوان شاغل و کارمند و همچنین همسران و اعضای خانواده شان، جهت تعدیل کردن و پیش بردن مسئولیت های اجتماعی در کنار مسئولیت های مهم و ارزشمند خانوادگی بپردازند و مسیر سنگین را برای بانوان هموار کنند. بنابراین درخواست می شود که بانوان رشد یافته و فرهیخته، به ارائه و انتقال تجارب ارزنده خود در شبکه های مجازی، کتب، همایش و کنفرانس ها توجه داشته باشند تا بانوان این مسیر را با آگاهی بیشتری طی کنند.

شایسته است با توجه به سطح سواد علمی و مهارت های زنان، برنامه ریزی های هوشمندانه تری صورت گرفته و با فراهم کردن شرایط و تسهیلات مناسب، زمینه بروز و ظهور استعداد و توانمندی های زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی فراهم گردد. لازم به یادآوری است که بانوان بسیار موفق و شایسته ای در کشورمان وجود دارند که در هر دو عرصه خانواده و اجتماع خوش درخشیده اند و همچنین شایسته است که دختران و زنان ما با الگوگیری و کسب تجارب ارزنده آنها بتوانند به مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی خود به طور مطلوب بپردازند.

انتقالی محل تحصیل یا انتقال شهر سکونت، نبود شرایط شغلی دورکاری، ناسالم بودن محیط کار، وجود تبعیض و نابرابری شغلی، ترس از دست دادن شغل، فراهم نبودن مهدکودک های مناسب در نزدیکی محل کار مادران و عدم وجود شرایط رسیدگی و ملاقات با فرزندان، بانوان شاغل و کارمند را در چالش های بزرگی قرار داده است. البته لازم به ذکر است که در چند سال اخیر برنامه ریزی هایی در این زمینه ها صورت گرفته که جای تشکر و قدردانی دارد، اما انتظار می رود همکاری هایی بیش از پیش و برنامه ریزی های مطلوب و خردمندانه تری انجام گیرد.

بنابراین بایستی مجموعه ای از عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی و سازمانی در اشتغال بهینه زنان مورد توجه قرار گیرد. در ادامه به مواردی از آنها اشاره خواهیم کرد:

- مشارکت اعضای خانواده در کارهای منزل
- تطابق شغل و علاقه کاری فرد با نیازهای روانشناختی و توانایی زنان
- تناسب کار با ویژگی های فیزیکی، وضعیت تاهل، مسئولیت های خانوادگی و تحصیلات
- وضع قوانین و مقررات حمایتی و انعطاف پذیر
- رفع نگرش های جنسیتی در خانه و اجتماع

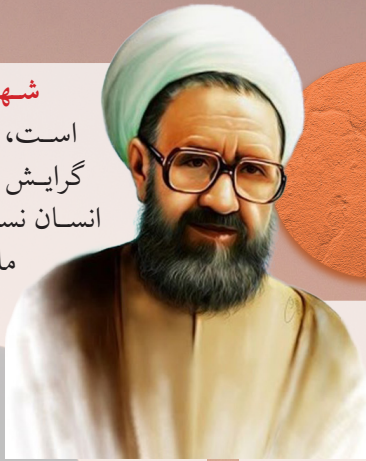
همچنین در فضای خانوادگی، مشارکت و همراهی همسر و سایر اعضای خانواده در کارهای منزل و سایر موارد، اصل مهم و قابل توجهی است که با برنامه ریزی و همراهی می توان شرایط رشد و حرکت بانوان، موفقیت و پیشرفت فرزندان و مسیر درست خانوادگی را رقم بزند. بی شک بانوان





تأثیر معنویت بر سلامت روان

سیده مژده سبحانی، مشاوره ۹۸



شهید مطهری معتقد

است، معنویت نوعی گرایش و احساس ذاتی انسان نسبت به امور غیرمادی، مانند علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش است که وجه تمایز انسان از سایر موجودات محسوب می‌شود. در دین اسلام، معنویت پیوند قوی و مستحکم با نیت و پابندی در سطح رفتار به باورهای مذهبی دارد و بر دلبستگی، توکل، امید به لطف و مدد خداوند متعال تأکید دارد.

در سالهای اخیر تحقیقات در گستره وسیعی متوجه این موضوع شده است که مذهب و معنویت چگونه بر جنبه‌های مختلف سلامت جسمی و روانی مؤثرند و در نتیجه تحقیقات مشخص شده که معنویت، ارتباط مثبتی با سلامت جسمانی و روانی دارد و تأثیر مثبت معنویت بر سلامت روان افراد اثبات شده و این ارتباط معنادار شناخته شده است. بهداشت روانی و سلامت روانی به سلامت یا تعادل بهنجار در ذهن، روان و رفتار گفته می‌شود. همچنین بهنجاری و تعادل در احساس، ادراک، تفکر، قضاوت، هیجان، حافظه و روابط بین فردی را شامل می‌شود. برای رسیدن به بهنجاری، نبود بیماری روانی مطرح است که باعث رشد، شکوفایی، محبت، سازگاری و تعالی فرد می‌شود. روانشناسان معتقدند یکی از مولفه‌هایی که در رشد و تعالی بهداشت روان نقش کلیدی دارد معنویت است.

مطالعات اخیر دریافته‌اند که معنویت ممکن است به عنوان یک منبع اجتماعی و روانشناختی در مقابله با استرس و فشارهای روانی ظاهر شود و در واقع باورها و اعمال معنوی، مردم را در زمان رویارویی با مشکلات و فشارهای روانی توانمند کرده و قواعدی را برای هدایت فراهم می‌آورند، به فرد در زندگی کمک می‌کنند، برحالت خلقی، سلامت روانی و در مجموع سلامت کلی افراد مؤثر

در ارتباط است و به فرد در رویارویی و مقابله با پستی و بلندی‌های زندگی کمک می‌کند. این اصطلاح به تنهایی شامل ابعاد اساسی‌ای مثل جستجوی معنا، هدف، شناخت تعالی خویشتن، روابط معنادار و هدفمند، عشق و ایمان و نیز حس خداجویی است. بسیاری از مردم معنویت را از طریق دین یا ارتباط شخصی با خداوند پیدا می‌کنند، اما افراد دیگری نیز هستند که آن را از طریق ارتباط با طبیعت، موسیقی، هنر یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول و یا از طریق جستجوی حقایق علمی می‌جویند.

در دیدگاه اسلام، معنویت عبارت است از: ارتباط با وجود متعالی، حفظ و شکوفایی فطرت توحیدی، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ و خم‌های زندگی شخصی از طریق برقراری روابط مستحکم با خدا، ایجاد نظام ارزشی شخصی قدرتمند، داشتن زندگی هدفمند و روابط سالم و سازنده با خود و دیگران است. این بُعد وجودی انسان، فطری و ذاتی است و با توجه به رشد و بالندگی انسان و در نتیجه انجام تمرینات و مناسک دینی متحول شده و ارتقا می‌یابد. اسلام، معنویت را مبتنی بر دین میداند و یک مسلمان باید معنویت خویش را بر اساس دین اسلام استوار سازد؛ چنان که خداوند متعال میفرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) «دین در نزد خدا، اسلام است». خداوند در این آیه راه و رسم زندگی را بر پایه دین بیان می‌کند و به عبارتی تنها معنویت مبتنی بر دین مورد قبول و پذیرش است.

بشر، همه ابعاد دنیوی زندگی را از جمله زندگی خانوادگی، روابط دوستانه، شغل را دوست دارد و برای رسیدن به آنها تلاش می‌کند؛ ولی این امور نمی‌توانند به اندازه کافی او را ارضا کنند. بشر با جستجوی صرف امور دنیوی، یک حس بی معنایی و بی ارزشی در درون خود احساس می‌کند. در واقع بشر ذاتاً معنوی است و همیشه به دنبال پیدا کردن جواب سوال‌هایی چون «چستی معنای زندگی»، «من چرا پا به این جهان گذاشته‌ام؟»، «چرا عمیقاً احساس خوشحالی نمی‌کنم؟» است. همه این سوالات یک مکاشفه درونی، برای آگاهی یافتن انسان از تصویر درونی خودش است تا بتواند در وجود این امور، به معنا دست پیدا کند.

خانواده و جامعه سعی می‌کنند که دید معنوی را برای زندگی افراد فراهم کنند و انسان با دست یافتن به نگاه معنوی می‌تواند؛ سطح جدیدی از آرامش درونی و احساس معنا و شادمانی و رضایت در زندگی را تجربه کند. اهمیت معنویت و رشد معنوی در زندگی انسان، در چند دهه گذشته به صورت روزافزون مورد توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی قرار گرفته است. تا جایی که سازمان بهداشت جهانی، در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بُعد چهارم؛ معنویت را، در رشد و تکامل انسان مطرح می‌کند که شامل آگاهی و خودشناسی می‌باشد.

معنویت، جنبه‌ای از وجود انسان است که به آن «انسانیت» می‌بخشد. معنویت با ساختارهای با اهمیتی که به زندگی فرد معنا و جهت می‌دهند

واقع می‌شوند تا جایی که به عنوان منابع مهمی جهت سازگاری با وقایع تنش‌زای زندگی در نظر گرفته می‌شوند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که بین معنویت و دینداری رابطه مثبتی وجود دارد و کسانی که باورهای مذهبی قوی دارند یا در مراسم مذهبی مشارکت دارند و همچنین در سطح نگرش و رفتار نیز علاوه بر اتخاذ سبک زندگی سالم و انجام مناسک دینی و مذهبی مثل دعا کردن و نماز خواندن یا رفتن به مسجد و کلیسا را نیز انجام می‌دهند، در سطوح مختلف سلامت جسم و روان از کسانی که این باورها را ندارند یا در مراسم مذهبی شرکت ندارند، بیشتر است. یکی از اجزای زندگی سالم، توجه به نیازهای معنوی است. از آنجا که انسان موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است بنابراین در برنامه زندگی، همه نیازهای انسان‌ها باید در نظر گرفته شود. معنویت مبتنی بر جهان‌بینی سبک زندگی انسان را اعتلا می‌بخشد. در این سبک زندگی رفتارهای آسیب‌زا به تدریج کاهش یافته و رفتارهای سالم افزایش می‌یابد.

معنویت به عنوان یک روش سازگاری به انسانها کمک می‌کند، سلامت خود را به هنگام رویارویی با بحران حفظ کنند. معنویت برای شادی و سلامت روان انسان ضروری است. توجه به بعد معنوی، نیرویی به انسان می‌بخشد و او را در تحمل سختی‌های زندگی کمک می‌کند و از اضطراب و نگرانی و در نتیجه پیامدهای زیانباری مثل افسردگی و خودکشی باز می‌دارد. معنویت در سلامتی بیماران نقش مهمی دارد؛ به صورتی که اگر معنویت بیمار افزایش یابد سرعت بهبودی او نیز افزایش می‌یابد. پژوهش‌های بسیاری بر ارتباط معنویت با سلامت جسمی و



روانی و ارتقای سازگاری با بیماری را دلالت دارند.

تغییرات عظیم جهان صنعتی، تأثیرات عمیقی بر روابط و تغییر سبک زندگی انسان‌ها داشته است، این تغییرات خود در زمینه افزایش اضطراب، سردرگمی نقش‌ها و آسیب‌پذیری آنها موثر بوده است. زمانی که احساس تنهایی، اضطراب و از دست دادن معنا، زندگی افراد را تهدید می‌کند، معنویت می‌تواند موجب تقویت روانی و افزایش سازگاری انسان شود. افراد با تصویر ذهنی مثبت از خداوند در مقابله با مشکلات، توان مقابله‌ی بیشتری را از خود بروز می‌دهند و با افزایش گرایش به معنویت، آشفتگی‌های خلقی و افسردگی کاهش می‌یابد. در درمان افسردگی نماز، تهجد، نافله و ذکر آیات قرآن تأثیرگذار است.

علاوه بر شادکامی و عزت نفس که در جلوگیری از بروز افکار خودکشی موثر هستند، معنویت هم می‌تواند نقش پررنگی در جلوگیری از خودکشی داشته باشد. شواهد علمی متعددی بر تأثیر معنویت و باورهای افراد در سلامت، حفظ و ارتقای عزت نفس، ایجاد حس هدفمندی و معناداری در زندگی، امیدواری، افزایش قدرت تصمیم‌گیری بدون سردرگمی تأکید دارند. بدون سلامت معنوی بقیه ابعاد زیستی، روانشناختی و اجتماعی نمی‌تواند در انسان به بالاترین حد خود برسد و بالاترین سطح کیفیت زندگی، بدون سلامت معنوی به دست نمی‌آید. وجود معنویت در زندگی به عنوان یک نیروی قوی بر بهبود کیفیت زندگی و سلامت روان افراد اثبات شده است.

وجود بعد معنویت در زندگی، با شادی و رضایت از زندگی رابطه‌ی مثبتی دارد. افراد مذهبی بیشتر از زندگی خود راضی هستند و شبکه‌های اجتماعی حمایتی بیشتری می‌سازند. این افراد با مقابله مذهبی در برابر وقایع ناخوشایند زندگی، توضیح خوشبینانه‌تری بیان می‌کنند. اعتقادات مذهبی و دینی موجب آرامش و تضمینی برای

امنیت فرد می‌گردد و خلاهای عاطفی، اخلاقی و معنوی فرد و اجتماعات را بهبود می‌بخشد و پایگاه محکمی برای انسان در برابر مشکلات و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند. آیه ۲۸ سوره رعد در قرآن کریم «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». «آنان که ایمان آورده‌اند و دل هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد؛ آگاه باشید که دل‌ها تنها به یاد خدا آرامش می‌یابد» گواه این موضوع است.

مطالعاتی در خصوص ارتباط معنویت و خودکارآمدی صورت گرفته و بر تأثیر مثبت آن تأکید دارد. خودکارآمدی اطمینان‌خاطری است که شخص درباره یک فعالیت خاص احساس می‌کند و در نتیجه آن، شخص را به اتخاذ رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و ترک رفتار مضر سلامت وامی‌دارد. تفاوت آشکاری در میزان جرم و جنایت و بزهکاری اجتماعی میان افراد مذهبی و کسانی که پابندی کمتری نسبت به دین دارند، وجود دارد. اصولاً افراد معنوی به واسطه ارتباط با خدا، وقایع را کمتر استرس‌زا ارزیابی می‌کنند و آن را فرصتی برای رشد معنوی خود یا آزمایش الهی تفسیر میکنند. با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده که به رابطه مثبت معنویت و سلامت روان تأکید دارد، می‌توان با ارتقای زمینه‌های باورمندی به خدا، وارد کردن دین و معنویت در زندگی افراد، بسیاری از مشکلات و پریشانی‌های روزمره زندگی حال و آینده را برطرف کرد.



چرا اربعین حسینی به یک یویتر همگانه تبدیل نشده است؟

فاطمه عبدی، آموزش زبان عربی ۹۸



بسم رب الشهداء و الصدیقین...

یک شب میان بین الحرمین داد میزنم
گشتم نبود بهتر از اینجا، نگرد
نیست...

عشق را آغازی است و آغاز
عاشقی ما، مزین شده است با
نام مبارک **حسین بن علی (ع)**. او
که جان و مال و بنون را با محبت
خود به سان زنجیرهای، گرد
می آورد و چون مودت را بینشان
می بیند، آن را حلقهای میسازد و
بر جهانیان عرضه می دارد. حال
که توفیقی نصیبمان شده که اربعین
حسینی را به عنوان پوششی عظیم به
رشته تحریر درآوردیم، خرسندیم و
می نگاریم تا بر مشام یار خوش آید...

اربعین را چرا اربعین نامیده اند؟

علت این شور و شعور سالیانه جمعیت
چیست؟ ظرفیت های فرهنگی اربعین
چیست؟ او کیست که سالیان دراز،
کودک و نوجوان، پیر و جوان، عاشق
و عابد، برای وصالش پای پیاده و با
هر نوایی به دیارش می شتابند تا در
اربعین حسینی در جوار یار باشند؟ چه
می شود که روزها را می گذرانند تا در آن
اربعین حسینی، دل در گرو یار، همگی
یک صدا به بین الحرمین عشق و به
بهشت الهی بشتابند و با ندای «**ما رایتُ
الْأَجْمِیلاً**» هم صدا شوند؟

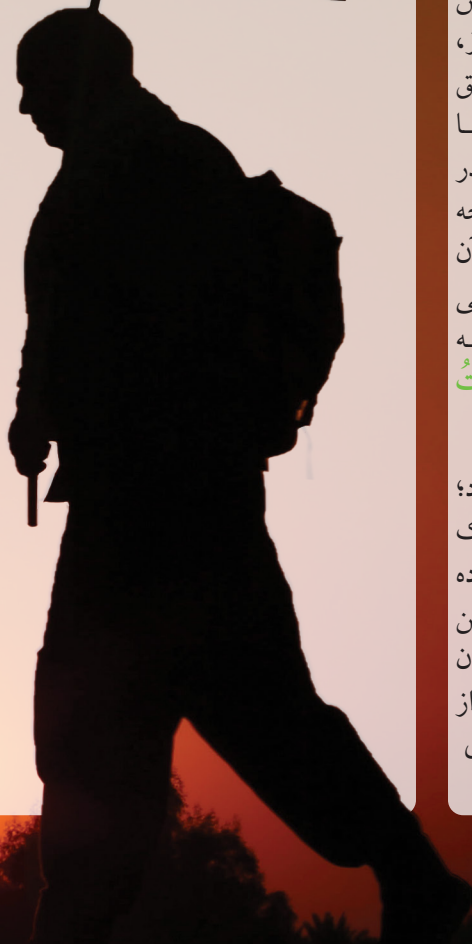
در پاسخی اجمالی گفته می شود؛
مصیبت وارد شده بر خاندان مبارک
پیامبر (ص)، چنان سخت و عظیم بوده
و هست، که از هزار و اندی سال، زمین
و زمان، آسمان و ملائک، بر عزایشان
می گریند و هنوز هم ادامه دارد. بیش از
۱۴۰۰ سال است که جهانیان، بر عزای
مولای غریبان می گریند و ذرهای

جنگ بر علیه معاویه و شامیان
فراخواند، ولی مردم هر بار با پشت کردن
به سخنان آن حضرت، ایشان را تنها
گذاشته و حضرت مجبور شدند تنها و
با تعداد کمی از یارانشان، به جنگ علیه
معاویه اقدام کنند و بارها مورد حملات
شامیان قرار گیرند.

**حضرت امیر المومنین، علی علیه
السلام**، بارها در خطبه های مختلف،
مردم را به حق طلبی دعوت کردند و مردم
بارها سخنان ایشان را نادیده گرفتند.
این بد عهدی تنها در زمان حضرت
علی علیه السلام نبود، بلکه سالها
بعد، جگر گوشه ایشان، **امام حسین
علیه السلام**، توسط همان افراد تنها ماند
و به شهادت رسید و مجددا تاریخ تکرار
شد. نتیجه اش شد اربعینی که سالیانه
مشتاقانی از سرتاسر جهان می پذیرد. با
اینکه در حال کوفه و مردمانی آن گونه
نداریم اما گرگ صفتانی سر برآورده اند
که به دنبال تفرقه افکنی میان وحدت
اسلامی کشورهای مسلمان هستند، تا
به هر نحوی که شده، این موج عظیم
را کنار بزنند و پوشش حسینی را مختل
سازند. اما دریغ و افسوس بر حالشان!
سالیانه شور و اشتیاق این خیل عظیم
از جمعیت حسینی بیشتر میشود، چرا
که هر کدام با هر نوع سبک و نگرشی
روانه کربلا می شوند، فرقی نمیکند با
چه اعتقادی، با چه مذهب یا پوششی!
آنها تنها روانه یک مسیر هستند؛ «**مسیر
حسینی**».

مسیر حسینی، تفاوتی میان عرب
و عجم قائل نمی شود و همه را زیر
پرچم و لقای خود گرد می آورد. اگر
این راه نامش عشق نیست پس چه
می تواند باشد؟ به راستی که عشق در
همین سنگرگاه جابخوش کرده است،
سنگر خاکی شهدای کربلا... مسیر
اباعبدالله، همه را در مکتبی گرد می آورد
و در تکانه های آخرالزمان سنگری مقرر
میسازد، زمانی که جامعه بشری از
همه جا ناامید و خسته شده است و
ناامیدی از کرانه های زندگی همگان

از این دلدادگی کم
نشده است. ابتدا
در پاسخی کوتاه
علت وقوع حادثه
کربلا را بیان
می کنیم؛ زمانی
که حضرت
امیر المومنین
علی (ع) با
اهل کوفه
بیعت کرد،
مردم
کوفه را
به حق
طلبی
و



اسلام گریزان بسیار سخت و دشوار به نظر می‌رسد و عرصه را برایشان تنگ میکند، حتی اگر این حضور اربعینی به ازای غبطه خوردن کوفیان این زمان باشد، بسیار ارزشمند و اثرگذار است.

و در پایان، ای جان جهان؛ مهدی (عج)، بیا که از عطر دامانت آزاد شویم و اربعین بر ایمان معنا پیدا کند، بیا که دگر دغدغهای برای امنیت حضورمان در اربعین حسینی نداشته باشیم، آقای مظلوم‌تر از غریب کربلا، اربعین را خودت یاری کن.

یک هدف را دنبال میکنند، شاهد این موضوع هستیم تا حکومت مهدوی را با ظهور مولایمان مهدی موعود (عج)، شاهد باشیم.

تا زمانی که بحث از اسلام و فطرتش می‌شود، عده‌ای از شنیدن این نام، هراس و واهمه دارند و به دنبال خدشه‌دار کردن این نام مبارک هستند، اهل بیت علیهم السلام به خاطر اسلام و زنده نگه داشتن آن، در مقابل تمام نابرابری‌ها ایستادگی کردند و اجازه ورود باطل، به جبهه حق را ندادند. امام حسین علیه السلام، در سخنی در رابطه با حق‌طلبی و مخالفت با ظلم می‌فرمایند: «**مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است.**» از این سخن برمی‌آید که حق‌طلبی، از جمله اهدافی است که اهل بیت، به دنبال زنده نگه داشتن آن بوده‌اند. حال که ایشان عزت و اسلام را با جان عزیزشان خریداری کرده‌اند، حقی بزرگ و بس عظیم بر دوش همه شیعیان و پیروان خود دارند، و آن مهم این است که با تمام ایمان بمانیم و پای آرمان‌های امام‌مان بایستیم ولو با یک پیاده‌روی که از نظر برخی

می‌بارد، دستها کوتاه از هر جایی و امیدها تنها بسته به **بین‌الحرمین** به آن دیار میشتابند تا گره کور خود را به دست‌های مولایشان بسپارند. آیا ناامید شدن از همه کائنات و موجودات در این عالم خاکی و امید بستن تنها به یک مسیر نمی‌تواند دلیلی بر جهانی شدن اربعین حسینی باشد؟

آیا نباید ظلم در جایی و نقطه‌ای از این جهان به درک واصل شود؟ آیا نباید مظلومیت اهل بیتمان (علیهم السلام) بر عالم و آدم شناسانده شود؟ می‌گویند؛ آخرت بشر به هر نقطه‌ای از ظلم و جور و بی‌عدالتی برسد، مجدداً عدالت احیا می‌شود و ریشه ظلم به خاموشی می‌گراید و امروز با اربعین حسینی که میلیون‌ها زائر، تنها



بررسی مسائل مربوط به گام دوم

مهتاب خانی



عرصه ظهور برساند و این نیازمند یک برنامه مطالعاتی عمیق و دقیق و همینطور شناسایی تمام متغیرها و عناصری است که بتواند به این امر کمک کنند. بنابراین، فرهنگیان باید مجهز به آخرین اطلاعات و دستاوردهای علمی باشند که به عنوان مجری تربیت نسل جدید بتوانند در این راستا نقش آفرینی کنند.

بنابر فرمایش مقام معظم رهبری، در طول ۴۰ سال گذشته و هم اکنون نیز مانند همیشه، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن‌ها، مایوس‌سازی مردم، جوانان و حتی مسئولین و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه و... برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و فضای مجازی دشمنان ملت ایران است. به همین دلیل حضرت آقا دستور جهاد امید داده‌اند و می‌فرمایند جوانان باید بتوانند پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشند.

یکی از ابعاد مورد توجه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز نقش رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است؛ بنابراین فرهنگیان به عنوان صف اول مجری نظام تعلیم و تربیت جوانان این مرز و بوم، در راستای تحقق این امر مهم، باید خود را مجهز به ابزارهای لازم جهت مقابله با این جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای کنند و سواد رسانه‌ای ابزار این جنگ رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی می‌باشد؛ که بتوانند جامعه نوجوان و جوان کشور را در این راستا آموزش داده و در جهت ارتقا و اعتلای سواد رسانه‌ای و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان، که امروزه لازمه تربیت آنهاست، نقش مؤثری داشته باشند.

بحث ضرورت و ارتقای سواد رسانه‌ای تنها مختص فرهنگیان نمی‌باشد، بلکه مختص همه آحاد جامعه و به‌ویژه نهاد خانواده است. ما باید بپذیریم که در حال حاضر با حجم عظیمی از اطلاعاتی که در رسانه‌های جهانی علیه کشور ما تولید می‌شوند، مواجه هستیم و لازم است خود را در برابر این حجم از اطلاعات با یادگیری و ارتقای سواد رسانه‌ای واکسینه



تأکید بسیار زیاد رهبر معظم انقلاب بر نقش جوانان است. در متن بیانیه حدود ۴۰ مرتبه بر این موضوع تأکید شده است. اگر ما همین نکته را به عنوان یک مبنای اساسی گام دوم قرار دهیم، متوجه می‌شویم که متولی تربیت این جوانان و توزیع آن در جامعه، نظام تعلیم و تربیت است. یعنی اینجاست که متوجه می‌شویم نظام تعلیم و تربیت ما چه وظیفه مهمی را برای تحقق اهداف و آرمان‌های بیانیه گام دوم بر عهده دارد؛ که باید زمینه‌های تربیت این نسل را برای خودش فراهم کند.

در این راستا، نظام تعلیم و تربیت ما باید با توجه به شرایط و وضعیت موجود و با مطالعه آینده‌نگری، بتواند در تربیت این نسلی که هم اکنون، هم به عنوان هدف بیانیه و هم مجری آن، نسلی را تربیت کند که بتواند در این راستا تمامی زمینه‌های اجرایی بیانیه را در کشور، به

حضرت امام خمینی (ره): «وظیفه معلم هدایت انسان به سوی خداست»
مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «تشکیل هویت نسل جدید به دست معلم است، نقشی پررنگ‌تر از نقش خانواده و پدر و مادر (۱۳۸۶/۰۲/۱۲)»

«معلمین سپاه پیشرفت کشورند، چون آموزش و پرورش وسیله پیشرفت کشور است». (۱۳۸۹/۰۹/۱۱)

از نظر اینجانب، به عنوان عضو کوچکی از جامعه فرهنگی و یاوران علمی، وظیفه ما آن است که در بیانیه ارزشمند گام دوم انقلاب اسلامی، نقش آموزش و پرورش را پیدا کرده و برای اعتلای آن تلاش کنیم. این مسأله یکی از مسائل کلیدی است که در صورت مغفول ماندن، جامعه ما با آسیب‌های جدی رو به رو می‌شود.

مهم‌ترین نکته در بیانیه گام دوم،

کنیم و به همین دلیل در بیانیه ارزشمند گام دوم انقلاب، بر نسل جوان و تربیت نسل جوان که می‌توانند تمدن ساز باشند، بسیار تأکید شده است و امید هست که نظام تعلیم و تربیت ما برای واقعیت‌های عصر رسانه و تسلط عصر رسانه بر تمام باورها و تمام ابعاد زندگی اجتماعی جوانان و نوجوانان، تدابیری قاطعانه بیندیشد.

در ادامه تبیین برخی شاخص‌های دیگر بیانیه گام دوم انقلاب اشاره می‌شود.

در ادامه توصیه اول مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم با عنوان "علم و پژوهش" آمده است که تلاش در راستای توسعه علم و پژوهش باید مانند جهاد انجام شود. این فرمایش مقام معظم رهبری که تلاش در این راستا همچون جهاد است، نشان از اهمیت بسیار زیاد امر توسعه و ترویج علم و پژوهش می‌باشد و نقش معلمان و جامعه فرهنگی و نخبگان ما، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. برای تحقق این امر مهم، باید مبنای کار آموزش توسط معلمان در مدارس، بنابر اصل کاوشگری باشد که ما را به مرز تولید علم می‌رساند و می‌تواند ما را از فضای کنونی عبور دهد و به سمت فضای مطلوب سوق دهد.

در زیر توصیه دوم مقام معظم رهبری با عنوان "معنویت و اخلاق" ایشان می‌فرمایند: شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چقدر بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد و این محتاج جهاد و تلاش است.

زمانی که بتوانیم در نظام تعلیم و تربیت، توسعه سواد دانشی انجام دهیم و در ادامه بتوانیم دانش کسب شده را به مهارت و سپس این مهارت را به تربیت تبدیل کنیم؛ آنگاه در پازل تربیتی، هم عنصر اخلاق وجود دارد و هم معنویت، اینگونه نظام تعلیم و تربیت می‌تواند متولی این امر مهم باشد.

همچنین در توصیه سوم مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم با عنوان "اقتصاد" می‌توانیم به ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در سند تحول آموزش و پرورش اشاره کنیم، که ساحت اقتصادی یکی از آنهاست. محتوای درسی ما می‌تواند به گونه‌ای طراحی و تنظیم شوند که شاخص‌های اقتصادی را منتقل کنند و مدارس می‌توانند الگوی اقتصادی موفق داشته باشند.

توصیه چهارم مقام معظم رهبری با عنوان "عدالت و مبارزه با فساد" نیز نقش جامعه فرهنگی و معلمان بسیار پررنگ و حائز اهمیت می‌باشد که بتوانند در کنار خانواده‌ها، انسان‌هایی با ایمان و جهادگر با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی تربیت کنند و به دانش‌آموزان یاد بدهند چگونه با یک امر غیرعادلانه برخورد کنند. دانش‌آموزان در مدارس و در خانواده‌ها باید قدرت نه گفتن را بیاموزند. بحث عدالت خواهی و مبارزه با فساد در بسترهای مختلف و گسترده‌ای، می‌تواند برای دانش‌آموزان اتفاق بیفتد، اما ما می‌توانیم این بحث را کوچک کرده و در قالب مینیاتوری در کلاس پیاده کنیم و بتوانیم دانش‌آموزانی عدالت پیشه و فساد ستیز تربیت کنیم.

آخرین توصیه مقام معظم رهبری در باب "سبک زندگی" طبق فرمایشات ایشان، جلوگیری از ترویج سبک زندگی غربی در ایران، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد.

سبک زندگی، تأثیر مستقیم بر امور تربیتی دارد و معلمان می‌توانند نقش بسیار مهمی در ترویج و احیای سبک زندگی ایرانی اسلامی داشته باشند، زیرا آموزه‌های صحیح در باب سبک زندگی بیشتر از طریق مدارس به دانش‌آموزان منتقل می‌شوند.

به عنوان سخن پایانی، همانطور که در متن بیانیه گام دوم انقلاب برداشت می‌شود، نقش فرهنگیان و نخبگان در تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب و ترسیم یک آینده درخشان، بسیار حائز اهمیت بوده و لازم است فرهنگیان، با الگو قرار دادن رهنمودهای ارزشمند مقام معظم رهبری و سیره استاد شهید مطهری و گام برداشتن در مسیر و مکتب سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی، به عنوان نقش تولیدکننده و هدایت‌کننده جریان، بتوانند نظام تعلیم و تربیت را در راه دستیابی به هدف خود که رسیدن به حیات طیبه است، یاری دهند.





مصاحبه با خانم سحر عظیمی، مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان بیرجند - شهید صدوقی کرمانشاه

در این بخش مصاحبه‌ای با خانم سحر عظیمی به عمل آورده‌ایم، امید است بهره لازم را ببرید.

سلام عرض می‌کنم خدمت شما خانم عظیمی، ممنون که وقت گذاشتید و با ما همکاری می‌کنید.

۱. لطفاً در ابتدا خودتان را معرفی کنید.

با نام و یاد خدا

– سحر عظیمی دربندی هستم دانشجوی رشته آموزش ابتدایی، ورودی سال ۹۹

۲. لطف می‌کنید در مورد بسیج دانشجویی توضیح کوتاهی بدهید.

– یکی از تشکلهای دانشجویی، بسیج دانشجویی است؛ که یک تشکل تقریباً مستقل است و همه اعضای آن دانشجویها هستند. بسیج دانشجویی هم با مرکز بسیج دانشجویی، هم با ناحیه بسیج دانشجویی و هم با دانشگاه در ارتباط است.

۳. بسیج در دانشگاه ما چه جایگاهی دارد؟

– به دلیل شرایط کرونا و غیرحضور شدن دانشگاه، فعالیت‌های حضوری بسیج هم محدود شد و شاید یک مقدار این موضوع باعث شد که دانشجویان از فضای بسیج دور شوند؛ ولی خوشبختانه به همت دانشجویان تلاشگر فعالیت خودمان را در فضای مجازی ادامه دادیم و تمام سعیمان این بود که بسیج جایگاه خودش را حفظ کند. خدا روشکر بسیج در دانشگاه ما جایگاه خوبی دارد و ان شاءالله با حضوری شدن دانشگاه بهتر هم می‌شود.

۸. اگر بخواهید بسیج را در یک جمله توصیف کنید، آن جمله چیست؟

– بسیج فرصتی را برای دانشجویان فراهم می‌کند که در اوج جوانی، تجربه‌های خوب و جدیدی را به دست بیاورد و قطعاً در رشد توانایی‌های فردی اثرگذار است.

۹. اگر دانشجویان بخواهند در بسیج عضو شوند و فعالیت داشته باشند باید چه کاری انجام دهند؟

– برای تشکیل پرونده و عضویت عادی به نیروی انسانی مراجعه کنند. در صورت تمایل به همکاری با معاونت‌های بسیج عضو فعال می‌شوند.

۱۰. سخن آخر؟

– خداوند را شاکرم که توفیق حضور در کنار جمعی از دانشجویان معلمان بسیجی را نصیبم کرد. و از شما بابت مصاحبه ممنون و سپاسگزارم.

ممنون که با همراه بودید و به سوالات ما پاسخ دادید.

با آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون برای شما

۴. ما در بسیج دانشگاه چند معاونت داریم؟

– در حال حاضر ۱۰ معاونت داریم.

۵. هر معاونت چه مسئولیت‌هایی را به عهده دارد؟

– خب با توجه به عنوان هر معاونت، وظایف و مسئولیت‌ها متفاوت است.

به طور کلی معاونت جهادی، وظیفه آموزش دانش آموزان مناطق محروم، معاونت علمی مباحث مربوط به آموزش و پرورش، معاونت رشد و کادرسازی جذب و توانمندسازی دانشجویان، معاونت مطالبه‌گری در جهت مطالبه‌های دانشجویی و معاونت فرهنگ‌سازی در جهت هویت معلمی کار فرهنگی انجام می‌دهند.

۶. بهترین و تاثیرگذارترین قسمت در بسیج، کدام قسمت می‌باشد؟

– به نظر من هر معاونت اهمیت خود را دارد و نمی‌توان گفت که کدام قسمت تاثیر بیشتری را در بردارد.

۷. آیا شرکت در بسیج برای تقسیم نیرو در فارغ التحصیلی و رتبه‌بندی تاثیر مثبتی دارد؟

– اطلاعات چندانی در این زمینه ندارم اما از دوستان فارغ التحصیل شنیده‌ام که تاثیرگذار است.